



دوره هشتم - سال اول - شماره ۷
پنجشنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

چرا موضع امپریالیسم خبری نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی عوض شده است؟

در روزنامه اطلاعات (۵ تیر ۶۳) خبر زیر درج شده بود: "بن - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول تلویزیون آلمان پریشب گزارش صوری درباره ایران و نقش مساجد در بسیج مردم و تقویت روحیه و توان نظامی آنان پخش کرد ۰۰۰۰۰ نظر می رسد این اولین گزارشی در آلمان باشد که بدون غرض و زبانه‌های خاص و قلب حقایق پیرامون ایران پخش می شود ۰۰۰۰۰ همچنین شبکه ۳ تلویزیون آلمان پریشب گزارش مشابهی پخش کرد که ۴۵ دقیقه به طول انجامید و بخشی از حقایق ناگفته در مورد جنگ تحمیلی را تشریح کرد" (تاکیدها از ماست) ۰

این خبر مصاحبه آقای رفسنجانی با تلویزیون آمریکا را بخاطر می آورد ۰ وی در این مصاحبه از جمله گفت: "رسانه های آمریکا يك مقدار کمی واقعیتها را دارند می گویند ۰۰۰ ما استقبال می کنیم واقعیتهایی که در ایران هست در خارج منعکس شود و این ابرهای تیره ای که دروغ در سطح غرب درست کرده است کنار برود و مردم اروپا و آمریکا با واقعیتها مواجه شوند" (جمهوری اسلامی، ۱۹ فروردین ۶۳) ۰

واقعیتهای فوق بیانگر تغییر موضع آشکار امپریالیسم خبری نسبت به حاکمیت ج ۰۱۰ است، که خود مسئولین رژیم بدان معترفند و از آن استقبال می کنند ۰ آنچه که سردمداران رژیم آگاهانه از پرداختن به آن طفره می روند، بقیه در صفحه ۶

پیرامون سفر گنشر به ایران

بالاخره سران ج ۰۱۰ به افتخار میهمانداری وزیر امور خارجه آلمان فدرال نائل شدند ۰ جز اینهم انتظاری نمی باید داشت ۰ گنشر کسی است که در نجات صادق طباطبائی - که به هنگام قاجاق مواد مخدر در آلمان غربی دستگیر شده بود - نقش مهمی ایفا کرد ۰ مقام صادق طباطبائی، با در نظر گرفتن وابستگی هایش به حاکمیت، ایجاب می کرد نه تنها بازار و اقتصاد ایران در خدمت انحصارهای آلمان فدرال قرار داده شود، بلکه از شخص گنشر نیز قدر دانی بعمل آید ۰ طبیعی است که معنای اینگونه قدر دانی ها در عرف دیپلماسی به ارث رسیده از رژیم شاه، نمی تواند چیزی جز ایجاد تسهیلات هرچه بیشتر برای تحکیم مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم آلمان غربی در ایران باشد ۰

تاریخ رسوخ کنسرنهای آلمانی به اقتصاد میهن ما با تاریخ دودمان پهلوی گره خورده است ۰ در اینجا به تشریح نفوذ همه جانبه جاسوسهای آلمان بقیه در صفحه ۶

جلوگیری از افزایش دستمزدها به نفع چه کسانی بوده است؟

هنگامیکه در اواخر سال گذشته مسئله تعیین حداقل دستمزد برای سال جدید مطرح شد، سرآ رژیم به جستجوی انواع استدلالات "شرعی" و عرفی پرداختند تا جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران را توجیه کنند ۰ برخی با تاسی به پیشکوتستان سرمایه داری جهانی از تاثیر مخرب افزایش مزد بر قیمت کالاها یاد کردند ۰ برخی دیگر ادامه جنگ بی سرانجام را دلیلی برای فداکاری هرچه بیشتر کارگران دانستند ۰

ولی به دلایل متعدد داین سخنان "حکیمانه" نتوانست کارگران را بفریبند ۰ کارگران اگر چه نتوانستند خواست افزایش دستمزدها را در این مرحله عملی کنند، ولی گول سخنان ارتجاع را نیز نخوردند ۰ زیرا اینگونه دلایل نه در ایران و نه در جهان تازگی ندارند ۰ توکلی معروف نیز به همین دلایل متوسل می شد ۰ شاه و عواملش مانند آزمون نیز از همین براهین استفاده می کردند ۰ چرا بقیه در صفحه ۳

اقتصاد ملی در مسیر ورشکستگی

در قطعنامه پلنوم هیجدهم گفته می شود: "چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیاء نظام منحط سرمایه داری وابسته، تقویت بنیه مالی بسوز و آواز تجاری، احیاء مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دول امپریالیستی تظاهر میکند، جامعه را بسا بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است" ۰

بحران اقتصادی در کشور بد رجسسه ای از وخامت رسیده است، که اینک حتی سران رژیم و مسئولین امور دولتی قادر به کتمان آن نیستند ۰ این اعترافات صحت ارزیابی ما را، که نتیجه تحلیل همه جانبه وضع اجتماعی - اقتصادی، مواضع طبقات، قشرها و دولت در جامعه و برخورد هائی ناشی از تضاد منافع گوناگون در هیئت حاکمه و نیز شرایط بین المللی است، به ثبوت میرساند ۰

چندی پیش وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه در گفتگویی با "کیهان" (اول فروردین ۶۳) گوته ای از حقایق فلاکت بار اقتصادی را بازگو کرد ۰ او گفت، برآورد سال ۱۳۶۲ نشان میدهد، بخش خدمات ۲۸۰ میلیارد تومان ارزش افزوده داشت، حال اینکه در "بخش صنعت و کشاورزی نصف و یا ثلث آن ارزش نیست" ۰

کسانیکه اندکی با اقتصاد آشنایی دارند، بخوبی میدانند که چنین عدم تناسب بین رشته های مختلف اقتصادی ملی نه تنها بیانگر واپس ماندگی عمیق اقتصادی، بلکه در عین حال مؤید وجود بحران ژرف اقتصادی در جامعه است ۰ خود رئیس سازمان برنامه نیز مجبور به اعتراف است، او میگوید: "صنعت ما يك صنعت وابسته است و چنانچه مواد اولیه آن وارد نشود صنایع ما خواهد خوابید" و در بخش کشاورزی نیز، "در حال حاضر عملا مشاهده میشود که بقیه در صفحه ۲

حزب سوسیالیست استرالیا: درود به توده ای های دلاور

حزب ما به کمیته مرکزی و همه اعضای حزب توده ایران اطمینان می دهد، که تا آنجا که در توان ماست، در راه آگاه ساختن مردم استرالیا از مبارزه در ایران و دفاع از مواضع حزب شما و همه نیروهای مترقی ایران کوشا خواهیم بود ۰

در چارچوب کارزار خود، چندی پیش ۲۰۰ کارت توزیع کردیم، که پس از امضاء برای سفیر ایران در استرالیا فرستاده شود ۰ نمونه ای از این کارت را برای شما می فرستیم ۰ بدینوسیله خواستیم شما را از پشتیبانی خود از مبارزه تان و فعالیت محکوم می کند ۰

بقیه در صفحه ۷

کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه زیر را از کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا دریافت داشت: رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا به رفقای دلاور حزب توده ایران درود می فرستد ۰

حزب ما برای پیکار شرافتمندانه حزب شما بسود طبقه کارگر و زحمتکشان ایران ارج فراوان قائل است ۰

حزب سوسیالیست استرالیا نیروهای ارتجاعی را، که چنین ددمنشانه بر حزب شما تاخته اند، محکوم می کند ۰

پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده ای!

اقتصاد ملی در مسیر...

کشور برای گندم، علوفه، گوشت و غیره وابسته به خارج است.

پیکره‌هایی که رئیس سازمان برنامه و بودجه ارائه داد ژرفای ورشکست اقتصاد رژیم را بیشتر از پیش آشکار میکند. پنج سال پس از پیروزی انقلاب و وعده‌های پیرامون دستیابی به خودکفایی و تأمین استقلال اقتصادی و نیز پنج سال پس از سخنرانی‌های پرآب و تاب سران ج ۱۰ دایره رشد بیسابقه اقتصادی اینک از زیان یکی از مسئولین دست‌اندرکار رژیم می‌شنویم که میگوید از ظرفیت اکثر واحدهای صنعتی استفاده کامل نمیشود و هنوز تولید ناخالص و ارزش افزوده در خیلی از بخش‌ها نسبت به سال ۵۵ و ۵۶ پائین‌تر است. در حالیکه مصرف کشور در سال ۶۰ و ۶۱ هر ساله ۶ درصد افزایش داشته، سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی در سال ۶۰ حدود ۲۰ درصد بوده، که در سال ۶۱ به ۱۹/۷ درصد کاهش یافته است. او میگوید: "این کاهش سرمایه‌گذاری یک خطر است که باید جلوی آنرا بگیریم. ما باید برای سرمایه‌گذاری راهبانی باز کنیم".

نتیجه یافت ناسالم اقتصاد ملی، بگفته وزیر مشاور اینستکه وابستگی به درآمد نفت شدید شود، تورم سیر صعودی پیچیده و بدهی دولت به بانک مرکزی روز بروز افزایش یابد.

چنین است بیلان پنج ساله عملکرد رژیم برای پیرون رفت از این وضع فلاکت‌بار چه باید کرد و آیا سران ج ۱۰ برنامه‌های ارائه میدهند؟ وزیر مشاور می‌گوید: "ما تعهد داریم سرمایه‌گذاری‌های موجود در مملکت را به حداکثر بهره‌برداری برسانیم ولو اینکه مجبور شویم تا چند سال مواد اولیه آنرا وارد کنیم".

منظور او از سرمایه‌گذاری‌های موجود اجزای طرح‌های سرمایه‌بر و گرانقیمت تجملی است که رژیم گذشته به دستور انحصارهای چند-ملیتی پایه‌گذاری کرده بود و امروز طبق اعتراف وزیر مشاور هیچ ۱۰ تعهد گردیده اجرای آنها را با وجود تشدید وابستگی اقتصادی به انحصارهای امپریالیستی ادامه دهد.

باید خاطر نشان ساخت که وابستگی صنایع ایران (هم موجود و هم در حال احداث) فقط به مواد خام نیست. این صنایع از لحاظ یدکیها و قطعات و بطور کلی تکنیک و تکنولوژی هم کلاً وابسته به جهان سرمایه‌داری است و اگر روزی بناد ایران بروی کشتی‌های خارجی حامل این مواد بسته شود و یا بعلاوه جنگ صدور نفت غیر ممکن گردد، اقتصاد ملی در ورشکست خواهد شد.

برنامه‌ایکه سران ج ۱۰ هم اکنون در زمینه صنعتی در پیش دارند در مجموع خود اقتصاد ایران را هر چه بیشتر به زانده بازار جهان سرمایه‌داری بدل میکند. ۱۶ خرداد ماه سال جاری روزنامه "اطلاعات" متن گفتگو با قائم مقام وزارت صنایع سنگین را انتشار داد. وی کسه

بقیه از صفحه ۱

قاعد تا می‌بایست برنامه دولت را در زمینه ایجاد صنایع سنگین در بخش دولتی به مثابه ضامن تأمین استقلال اقتصادی تشریح کند، تکیه اساسی را در این بخش روی عملکرد بخش خصوصی گذارد و گفت "هیچ قانونی حجم سرمایه‌گذاری در تولید را" برای بخش غیر دولتی محدود نکرده است، آنچه تاکنون مورد بحث بوده ماهیت سرمایه است. میزان آن طبیعی است، کسی که از راه حلال سرمایه‌های را کسب کرده باشد هیچکس معترض او نخواهد بود. بنابراین در این زمینه هیچگونه گزافی وجود ندارد و اگر احیاناً کسی امکان سرمایه‌گذاری در بخش تولید صنعتی را دارد باید به مدان بیاید و اطمینان داشته باشد که مراجعتی برایش ایجاد نمی‌شود".

او بنام دولت از بخش خصوصی دعوت میکند تا در رشته‌هایی مانند خودروسازی، موتور و محرك سازی، ماشین سازی و غیره سرمایه‌گذاری کنند. به دیگر سخن آنچه حتی قانون اساسی ج ۱۰ بعهده دولت گذارده است و دست‌سستی تقدیم بخش خصوصی میشود.

قائم مقام وزارت صنایع سنگین بی‌پرده سخن می‌گوید: "در برنامه پنجساله عمرانی کشور پیش‌بینی ۴۶۱/۵ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری برای بخش دولتی و غیر دولتی شده، که بکسه تفکیک برای بخش دولتی ۱۷۱/۵ میلیارد ریال و برای بخش غیر دولتی حدود ۲۹۰ میلیارد ریال است. بدینسان بیش از ۶۲ درصد سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین بعهده بخش غیر دولتی گذارده شده است. چه کسانی جز کلان سرمایه‌داران وابسته می‌توانند چنین سرمایه‌گذاری را بعهده گیرند؟

راهی که سران ج ۱۰ عملاً در پیش گرفته‌اند چیزی جز تداوم نظام اقتصادی رژیم شاه نیست. بی‌سبب نیست که ارتجاع حاکم با تمام قوا سعی می‌کند تا سرمایه‌داران غارتگر فراری را هر چه زودتر به خود جلب کند و در این مسیر فرامیسن کوناکونی در رسانه‌های گروهی منتشر می‌سازد. این راه فقط می‌تواند به احیای نظام سرمایه‌داری وابسته منجر گردد، که با دگرگونی کردن اقتصاد ملی به نفع توده‌های محروم یعنواً آماج اساسی انقلاب بهمن ۵۷ در تضاد آشکار است.

ولی هستند عواطف بیانی مانند شجاع‌الدین کرمانی، که با پیروزی بی‌سابقه‌ای می‌نویسند: "وجه شبه تشبیه اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری لفظی و صورتی است. زیرا مالکیت شخصی مطرح شده در سیستم اقتصادی اسلام، با مالکیت شخصی مطرح شده در سیستم کاپیتالیسم، تنها اشتراک لفظی دارند و از نظر محتوا و مضمون، نه تنها اشتراکی وجود ندارد که از زمین تا آسمان با هم فاصله داشته و در تضاد و تباینی بنیادی می‌باشند." (اطلاعات، ۳ خرداد ۶۳). شجاع‌الدین کرمانی چیزی می‌گوید، که بقول معروف در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. بنا در نظر گرفتن آنچه که ما به نقل از دست‌اندرکاران رژیم آوردیم، بویژه با توجه به واگذاری

خبرنگار نامه مردم "در میان مردم"

"راه شرعی" فروش زمین

فئودالیسم شهری در بخش‌های مرزی خسوف، تابه‌اد و تربت جام که قبلاً بنا به شرایط تاحدودی محدود شده بود، اخیراً در بند و بست با اداره عمران و اراضی شهری شروع به فروش زمینها کرده است. بدین ترتیب که بین زمیندار و خریدار قرارداد یا قولنامه‌ای به تاریخ قبل از سال ۵۷ رد و بدل می‌شود. خریدار سند مربوطه را بنا بر تاریخ جعلی به اداره عمران اراضی می‌برد و نمایش از آنجا آغاز می‌شود. (تعجب نکنید که چرا می‌نویسم نمایش آغاز می‌شود، دلیلش این است که همه اشخاص که در این معامله شرکت دارند، اعم از خریدار و فروشنده و مامورین دولت خود می‌دانند که دارند نقش بازی می‌کنند و در حقیقت دست همدیگر را از قبل خوانده‌اند). به هر حال از طرف اداره عمران اراضی شهری فروشنده احضار می‌شود و پس از انجام مقدمات و صورت قانونی دادن به معامله، مثلاً یک قطعه زمین ۳۰۰ متری که بسته به مکان، بین سه تا ده هزار تومان ارزش دارد، طبق قرارداد کذائی تا ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. از مبلغ هنگفتی که بابت سود می‌ماند، نیمی به اداره عمران می‌رسد و نیمی به جیب فروشنده می‌رود. هم دولت به پول باد آورده‌ای میرسد و هم زمیندار به سود کلان دست یافته است. جالب توجه است که در تفرق زمینداران بزرگ شهر مرزی ما از فرط دست‌خراچی باز شدن "راه شرعی" زمینها را گاهی حتی باد و پا سه نفر هم قولنامه کرده‌اند و پرونده شکایت از آنها در شهرداری موجود است.

بیش از ۶۲ درصد از سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین به کلان سرمایه‌داران، مضمون و ماهیت آنچه آقایان "اقتصاد اسلامی" می‌مانند بیشتر از پیش آشکار می‌شود. نقطه ضعف آنچه مبلغین ج ۱۰ بنام "اقتصاد اسلامی" عرضه میکنند در همین جا است. این نظام کوچکترین فرقی با نظام سرمایه‌داری وابسته ندارد و پایان آن نیز جز ورشکست اقتصاد ملی نمی‌تواند باشد.

مردم ایران این نظام را یکبار آزموده‌اند. هدف عده مانع از فعالیت احزاب و سازمان‌های انقلابی، انباشتن زندانها از دهها هزار انقلابی دگراندیش و ضد امپریالیست، تفتیش بی‌سابقه عقاید از بین بردن ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های دگرگونی و بالاخره احیای رژیم ترور و اختناق، هموار ساختن راه برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته است. ولی توده‌های میلیونی زحمتکشان را نمی‌توان به زور سرنیزه از پیکار در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز داشت.

برای جلوگیری از ورشکست اقتصاد ملی فقط یک راه وجود دارد: پایان دادن به سیطره کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان و حامیان امپریالیسم آنان. مبارزه در این راه تعطیل بردار نیست.

جلوگیری از افزایش ...

که هدف غائی سرمایه دار کسب سود هرچه بیشتر است و افزایش دستمزد ها مانعی است در این راه. مارکس بیش از ۱۲۰ سال پیش، این حکم را در این باره بیان کرده است: "سود به همان نسبتی افزایش می یابد که دستمزد کاهش یابد، به همان نسبتی کاهش می یابد که دستمزد افزایش یابد".

(مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۶، صفحه ۴۱۴) محتوای اصلی این حکم، یعنی ناسر متقابل دستمزد کارگران و سود سرمایه داران، در تمام جوامع تحت تسلط سرمایه، از جمله در ایران نیز صادق است.

همه جا سرمایه داران و نمایندگان آنان، کارگران را برای نیل به اهداف "مقدس" و "ملی" و "تحکیم اخوت" و غیره به تحمل مشقات می خوانند. البته خادمان سرمایه داری همه جا این کلمات را به یک زبان و زیر یک لباس بیان نمی دارند، ولی تعام این بیانات مضمون واحدی را ادا می کند: کسب سود هرچه بیشتر برای سرمایه داران در مقابل فقیر افزون تر برای کارگران و زحمتکشان.

هم اکنون "رشد" فقر در میان کارگران و زحمتکشان آشکار خاص و عام است. آنچه حاکمیت اسلامی سعی در پنهان داشتن آن دارد، سود های هنگفت و روز افزون سرمایه داران است. در اینجا به چند قلم آن، که از پرده بیسرون افتاده است، اشاره می کنیم، تا ماهیت احتجاجات خادمان سرمایه روشن تر شود.

مدیر کارخانه کارتن کار قم اظهار می دارد که کارخانه "تاسال" ۵۸ سال پیش از ۷۰۰ میلیون ریال به بانک بدی داشت اما به حول و قوه الهی و با همت کارگران متعهد و مسلمان در حال حاضر علاوه بر پرداخت بدی های گذشته ۳۰۰ میلیون ریال سود خالص داشته (جمهوری اسلامی، ۱۳/۱۱/۶۲).

مدیریت شرکت چینی سازی پارس اذعان دارد که "شرکت چینی پارس از بد و تاسیس به دلایسل گوناگون جزو شرکتهای زیان ده بوده ۵۰۰۰ در سال ۱۳۶۱ مدیریت موفق می گردد شرکت را به سود، دهی برساند" (کیهان، ۱۵/۱۱/۶۲).

وزیر صنایع سنگین سود کارخانجات تحت پوشش این وزارتخانه را در سال ۶۳ حدود یک میلیارد تومان پیش بینی می کند (ج ۱۰، ۲/۲/۶۳) علی نقی خاموشی در مقام رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن، که مسلماً در این مورد بسیار صاحب نظر است می گوید:

"ما می توانیم ادعا کنیم سودی که کارخانجات بخش خصوصی در عرض این دو سه ساله اخیر داشته اند در کل سنوات تولیدشان چنین سودی نداشته اند" (مجله صنعت حمل و نقل، اسفند ۱۳۶۲).

یعنی همه اذعان دارند که کارخانجات ایران چه در بخش خصوصی و چه دولتی، به طرز "معجزه آسانی" در این چند ساله به سود دهی رسیده اند. بقیه در صفحه ۷

جنگ، برای حفظ آبروی راستگرایان

گیرد، ولی نه تنها این خواست به حق مردم توسط شرکت ملی گاز برآورده نشد، بلکه هر روز به بهانه های مختلف طیرغم قول قطعی مسئولین گساز از وصل همین تعداد انشعاب محدود به لوله گساز تا کنون خود داری کرده اند ۰۰۰"

"۴- مردم محروم بخش آغا جاری در منطقه ای که شاید از گزرتین نقاط ایران است زندگی می کنند. از طرفی وجود شعله های چاه های نفت مزید بر این علت است. از سالهای گذشته تا کنون مردم از نعمت آب خصوصاً در تابستان محروم و سالهای بعد از پیروزی انقلاب که مسئولیست اجرای پروژه آب این منطقه را سازمان آب و برق خوزستان پذیرفته است اقدام مؤثری که بنا به گفته خود مسئولین مربوطه، این پروژه یک طرح ضروری و اضطراری (است) و باید بصورت ضربتی اجرا و آب آشامیدنی مردم تا همین شود صورت نگرفته است. ۰۰۰"

"۵- بهبهان دارای یک بیمارستان کوچک و چند رمانگاه با جمعیتی متجاوز از صد هزار نفر می باشد. این در حالی است که اکثر بیماران استان کهگیلویه به اضافه بعضی از شهرهای همجوار در این بیمارستان بستری و معالجه می گردند. این بیمارستان تنها دارای یک نفر جراح و یک نفر متخصص بی هوشی می باشد و بعد از حمله موشکی ۰۰۰ تا کنون سیزده نفر از پزشکان این بیمارستان منتقل گردیده اند. در حال حاضر بنا به گفته مسئول شبکه بهداشت شهرستان بهبهان بعضی از رمانگاهها و بخش های بیمارستان در خطر تعطیل کلی قرار گرفته است. "مردم روستای فالند ها آب آشامیدنی خود را هر بته که ۲۰ لیتری به ۴۰ ریال خریداری می نمایند. در صورتی که رودخانه درد والی سسه کیلومتری این روستا می گذرد ۰۰۰"

اینها نمونه های کوچکی از مائلی است که تنها مردم یکی از شهرهای جنگ زده بآن دست بگیرانند و طیرغم تذکراتی که به "دولت خد متگزار" داده می شود، یک از هزار این مسائل نیز، حمل شدنی نیست، چرا که خانه از پای بست و سران است و مسئولین امور اگر هم بخواهند قادر به اجرای هیچ پروژه ای به نفع مردم نیستند. همه متخصصین و نیروهای کارآمد انقلابی، یعنی سخی خد متگزاران واقعی مردم، یا تیرباران شده اند، یا زیر شکنجه اند و یا برکنار از خدمات دولتی.

مردم ایران ناظر بر جنایات بی شمار، خرابکاریها دزدی ها و رشوه خواری ها و بی بند و باریهای "شرعی" و "غیر شرعی" هستند، که سر رشته همه آنها در دست ارتجاع حاکم بر سرنویشت کشور است.

در این میان تنها کاری که از دست نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، و از جمله نماینده بهبهان برمی آید "تشکر" از مردم "بویژه دانشموزان و پراداران مساجد" است "کسه بیشترین شهید و معلول را در رابطه با جنگ تقدیم اسلام و انقلاب نمودند" ●

"عابدی نماینده بهبهان در سخنرانی پیش از دستور مجلس شورا از حمله گفت: "امروز وظیفه مجلس و مردم و دولت است که جنگ را در رأس همه امور قرار دهند و از امور دیگر که جنگ را تحت الشعاع قرار می دهد، بپرهیزند، چراکه آبرو و حیثیت و شرف و عزت ما به این جنگ بستگی دارد." (کیهان، ۲۴ خرداد ۶۳)

سرچشمه بیان چنین سخنان غیر مسئولانه مغزهای طلیل و بیماری است که برای استتار ناتوانی خود در حل مشکلات کشور و پاسخ گوئی به نیازها و خواسته های واقعی توده های محروم و زحمتکش در انجام اصلاحات بنیادی، بپراهنه حیانت به مردم را گردیدند، و بی آنکه عمق فاجعه را درک کنند پیوسته بر ظلم جنگ می کوبند تا به اصطلاح "آبرو و حیثیت و شرف و عزت" خود را حفظ کنند. حال اگر صدها هزار جوان، یعنی نیروهای سازنده و فعال کشور، به خون غلتیدند، ده ها شهر آباد ویران شد و میلیونها شهسری و روستائی آواره و بی خانمان شدند، چرخ اقتصادی کشور از کار افتاد و موج بیکاری و فقر و گرسنگی فراگیر شد، ایشان ککشان هم نمی گرد و لایسند "جای هیچ اشکالی" هم نیست، مسئله، حفظ آبرو و حیثیت نداشته است.

برای اینکه به جای دوری نرفته باشیم به برخی از مشکلات مردم محروم بهبهان از زبان همین نماینده جنگ طلب بعنوان "تذکراتی به دولت خد متگزار" اشاره می کنیم تا عمق فاجعه جنگ بیشتر روشن بشود:

"۱- حدود هشت ماه است که از اولین حمله موشکی ۰۰۰ به شهر مقاوم بهبهان که منجر به شهادت عده کثیری و تخریب خانه های زیادی شده می گذرد، ولی تا سغانه هنوز ستاد بساز- سازی اقدام مؤثری جهت بازسازی منسازل مسکونی ۰۰۰ ننموده و حتی در این میان کسانی که اکثر اعضاء خانواده خود را از دست داده اند و یک یا دو نفر بیشتر از آنان باقی نمانده اند در حالت بلاتکلیفی به سر می برند ۰۰۰"

"۲- تقریباً هفت سال است که از انعقاد قرارداد د و پروژه پل رودخانه زیدون و جساده بخش زیدون که حدود چهل و پنج کیلومتر می باشد، می گذرد. این د و پروژه که برای مردم محروم زیدون جنبه حیاتی دارد توجه جدی برای اتمام آن نمی گردد، هر چند که هر د و پروژه پیمانکار دارند، در حال حاضر کارهای ساختمانی پل کاملاً تعطیل گردیده ۰۰۰"

"۳- لوله گاز از د والی سه کیلومتری بهبهان می گذرد و پالایشگاه گاز بید بلند در ۳۴ کیلومتری بهبهان قرار دارد. از دیرباز تا کنون مردم بهبهان از نعمت لوله کشی گاز محرومند. در سال ۶۱ که شرکت ملی گاز اقدام به لوله کشی گاز در یکی د و منطقه محدود شهر نمود، مردم منتظر ساز داشتند ضمن اینکه شرکت گاز اقدام به لوله کشی گاز همه نقاط شهر (کند) نقاط محدودی که لوله کشی شده بتواند مورد بهره برداری قرار

اسناد وابستگی (۲)

ماجرای مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن

این زمینه انجام داده است. وزیر نفت افزود که از شیوه عمل انحصار ژاپنی ناراضی است.

در همان روزها ما در تفسیر این اظهارات وزیر نفت نوشتیم: "سئوال اینست که آیا ناراضی وزارت نفت فقط محدود به عملکرد انحصار ژاپنی است و آیا کارشناسان وزارت نفت بعد از پیروزی انقلاب، اصل قرارداد منعقد شده بین ایران و انحصارهای ژاپنی را که در دوران رژیم شاه مخلوع به امضاء رسیده و نمونه کامل یک قرارداد نواستعماری است، مطالعه کرده اند؟"

ما صریحاً نوشتیم: "در اینکه انحصارهای ژاپنی در اتمام ساختمان مجتمع پتروشیمی کار شکنی کرده و خواهند کرد جای تردیدی نیست. حیرت آور آنست که مسئولین وزارت نفت ماههاست دست روی دست گذاشته و در انتظار آنند که انحصارهای تک ملیتی و چند ملیتی ژاپن سهم در مجتمع پتروشیمی، سرنوشته آنرا تعیین کنند." (نامه مردم ۵۹/۲/۲۳)

اکنون چهار سال پس از این اظهار نظر، مردم ایران شاهدند که هنوز هم انحصارهای ژاپنی کار اتمام مجتمع پتروشیمی را که ۸۵ درصد آن قبل از انقلاب پایان یافته بود، آغاز نکرده اند. پیشگویی ما پیرامون ادامه کار شکنی انحصارهای نفتی ناشی از "الهام غیبی" نبود، بلکه نتیجه شناخت ماهیت انحصارهای امپریالیستی است.

در دیماه ۶۰ میر حسین موسوی، نخست وزیر ج ۱۰ گفت: "جناح‌هایی در ژاپن هستند که با گذشت سه سال از انقلاب اسلامی ما هنوز مشوجه نشده‌اند که ما حاضر نیستیم با کشوری که بخواهد از موضع قدرت با ما وارد گفت و شنود شود، روابط خوشایندی داشته باشیم." (صبح آزادگان، ۱۰/۲۷/۶۰) او به اینهم اکتفا نکرد و افزود: "کسانی در جهان هستند که در مقابل پول ما حاضرند در مورد اتمام بخش‌های باقی مانده آن به ما کمک کنند." (همانجا)

معاون وزیر نفت هم در تأیید نخست وزیر اظهار داشت: "گسروه میتسویی ژاپن تنها صادر کننده تکنولوژی پتروشیمی که در دنیا نیست، بلکه گروههای دیگر و کشورهای دیگری هم وجود دارند که حاضرند به کمک ایران بشتابند." (اطلاعات، ۶۰/۱۵/۲۸)

از این "تهدید" نخست وزیر و معاون وزیر نفت دو سال و پنج ماه می‌گذرد. ولی انحصارهای ژاپنی هنوز هم از موضع قدرت با سسران ج ۱۰ گفت و شنود می‌کنند و کوچکترین اهیتی به تهدید آنها نداده‌اند. و "حق" نیز با آنها بود. زیرا در این فاصله نه تنها "اتمام بخش‌های باقی مانده" به "گروههای دیگر و کشورهای دیگر سپرده نشد، بلکه برعکس روابط بسیار خوشایندی هم از سوی ج ۱۰ با دیگر انحصارهای ژاپنی برقرار گردید و امپریالیسم ژاپن موفق شد با کمک مقامات دولتی ایران جای پای خود را در اقتصاد ملی ما، محکمتر کند. با این حال اجرای طرح معوق مانده، هر چند که

۱۲ شهریور ماه ۱۳۶۰ "صبح آزادگان" به نقل از روزنامه ژاپنی "آسامی" نوشت طرح پتروشیمی ایران و ژاپن به صورت یک پروژه ملی ژاپن با شرکت دولت این کشور درآمد. ولی کیست که نداند دولت ژاپن دست نشانده و عامل انحصارهای آن کشور است و نمی‌تواند گامی در جهت مخالف منافع آنها بردارد. هدف انحصارهای ژاپن و مآل دولت ژاپن، وارد آوردن فشار به ج ۱۰ به قصد تغییر سیاست خارجی رژیم به نفع امپریالیسم بود.

در تیرماه ۱۳۵۹، "کیوجی تسوتسومی"، معاون مدیر کل بخش خاور-میانه وزارت امور خارجه ژاپن اعلام کرد: "ژاپن مایل است این طرح را که ۸۵ درصد آن انجام شده است به اتمام برساند. ژاپن اهمیت انقلاب ایران را درک می‌کند، ولی تا زمانیکه گروهان‌های آمریکائی در اسارت باشند، ژاپن

سسران ج ۱۰ در اجرای طرحهای به ارث رسیده از رژیم شاه امسرا در دارند. این طرحها که زمانی از طرف خود سسران رژیم مغایر با مصالح کشور ژاپنی شده بود، اینک در راستای منافع ملی‌های دولت قرار گرفته است.

در مه ۶۰ بود که سال ۱۳۵۸ گفته می‌شد: "آنچه در گذشته مسورد نظر بوده، صرف ایجاد و اجرای طرحهای عمرانی با رابطه فنی و استثماری آن بوده است، بدون این که منافع نهائی حاصله از اجرای طرح شناسائی و حتی اهمیت دادن به گروههای مردم ایران که طرح بحاطران‌ها باید اجرا می‌شده است، مورد توجه قرار گیرد." متأسفانه بررسی بسیاری از طرح‌های عمرانی نشان می‌دهد که منافع حاصله از آن‌ها به جیب مهندسیین مشاور، صادرکنندگان و حتی کارگران خارجی سرازیر می‌شده است." (روزنامه "جه پوری اسلامی" ۱۶ تیر ۵۸)

این ارزیابی از طرح‌های باصلاح عمرانی گذشته واقعیت دارد و ما نیز با آن موافقیم. نمونه برجسته در این زمینه طرح مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن است.

در مهرماه ۱۳۵۰ قرارداد بی‌دولت و گروهی از انحصارهای ژاپنی به سرپرستی "میتسویی" دایره احداث مجتمع پتروشیمی بر اساس ۵۰:۵۰ به امضاء رسید. یعنی ۵۰ درصد سهام متعلق به انحصارهای ژاپنی بود. بدین منظور شرکت مختلط "ایران جاهان پتروکیمیکال کمپانی" تأسیس شد.

معاون وزیر وقت ج ۱۰ در گفتگویی با رسانه‌های گروهی اظهار داشت: "قرارداد ژاپن این بوده است که با ۳۵۰ میلیون دلار پتروشیمی را بسازد رژیم گذشته با این امر موافقت کرد و این مسئله اکنون به ما رسیده و ما وارث این قرارداد شده‌ایم." (اطلاعات، ۶۰/۱۰/۲۸) بعد ها طرف ژاپنی هزینه طرح را به یک میلیارد دلار افزایش داد. ۱۷ نوامبر سال ۱۹۷۵ مجله آمریکائی "بیزنس ویک" در این باره با شاه مخلوع صاحب‌اموالی کسرده در آن مصاحبه گفته می‌شد طرف ژاپنی به اینهم اکتفا نکرده، هزینه طرح را به ۱/۸ میلیارد دلار رساند. او گفت "ژاپنی‌ها اول می‌خواستند کلیه هزینه یک میلیارد دلاری را ما بپردازیم، بعداً گفتند که وضع مالی آنها خوب نیست و ما موافقت کردیم پنجاه درصد آنرا بپردازیم. اکنون طسرف ژاپنی‌ها می‌خواهد که ایران ۵۰ درصد سهم آنها را توسط بانکهای بیسن-المللی تضمین کند." وی در همان مصاحبه گفت که ایران نمی‌تواند ایسین شرط را بپذیرد. ولی در مهرماه ۱۳۵۵ مطبوعات ایران اطلاع دادند که توافق نهائی با کمپانی‌های ژاپنی به عمل آمد و هزینه طرح عمسسان ۱/۸ میلیارد دلار پیشنهادی طرف ژاپنی خواهد بود. معهولاً چانه‌هایی که در این نوع موارد از طرف سردمداران رژیم زده می‌شود برای تأمین دلالی‌های چرب تری به سود جیب خود بود تا مراعات کشور.

ساختمان مجتمع پتروشیمی ایران-ژاپن در سال ۱۳۵۵ آغاز شد. در سال ۱۳۶۰ معاون وزیر نفت اظهار داشت این پروژه در صورتی که به مرحله بهره برداری برسد می‌تواند جوابگوی مواد اولیه صنایع متوسط و کوچک رنگ سازی، الیاف صننوعی، پلاستیک و رزین‌ها و غیره باشد. به گفته وی هزینه طرح به ۴/۲ میلیارد دلار رسیده است. (اطلاعات ۶۰/۱۰/۲۸)

چرا جمهوری اسلامی اینهمه به ژاپن التماس می‌کند؟

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹، معین فر وزیر نفت وقت، در گفتگویی با خبرنگاران گفت که انحصار ژاپنی "میتسویی" قول داده که کار ادامه ساختن مجتمع پتروشیمی ایران-ژاپن را آغاز کند و گویا اقداماتی هم در

اسناد وابستگی (۲)

بقیه از صفحه قبل
 نمی تواند با ایران همکاری کند" ("بامداد" ۵۹/۴/۵۰) و این چیزی جز مدخله آشکار در امور داخلی کشور نبود. ولی سران ج ۱۰ نه تنها به این مسئله اعتراضی نکردند، بلکه در دست شش ماه بعد یعنی ۲۸ دیماه ۵۹ جاسوسان آمریکائی را آزاد و میلیارد ها دلار بول کشور را نیز همراه آنان دودستی تقدیم امپریالیسم آمریکا کردند. این بار انحصارهای ژاپنی به سه بهانه دیگری متوسل شدند. ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ روزنامه "صبح آزادگان" نوشت: «ذاکره با ژاپن هنوز به نتیجه نرسیده است. این بار دولت ژاپن اوضاع داخلی ایران را بهانه کرد و از قول روزنامه ژاپنی "آساهی" خاطر نشان ساخت: "جنگ ایران و عراق از سپتامبر سال گذشته و همین اواخر وخیم تر شدن اوضاع داخلی ایران مانع آن شده که پیشرفتی (در مذاکرات) حاصل شود".

۷ آذرماه ۱۳۶۰ وزارت امور خارجه به ژاپن اعلام کرد: "۰۰۰ تا اخیر ساختمان مجتمع پتروشیمی به نفع شرکت های خصوصی ژاپن بوده است. چون آنها عقیده دارند با ادامه جنگ بین ایران و عراق ادامه کار مجتمع پتروشیمی خطرناک خواهد بود" (صبح آزادگان ۶۰/۹/۸۰).
 اینهم نمونه دیگری از دخالت در امور داخلی ایران. عکس العمل سران ج ۱۰ که اینهمه دم از "استقلال عمل" می زنند چه بود؟ هیچ! ادامه التماس و خواهش و تمنا و بلاخره عقب نشینی گام بگام در مقابل فشار انحصارهای ژاپنی.

در دیماه ۶۰ انحصارهای ژاپنی اعلام کردند به علت افزایش نیافتن سهم ایران در سرمایه گذاری کار را متوقف کرده اند. روزنامه "اطلاعات" (۱۹ دیماه ۶۰) نوشت: "به گزارش خبرگزاری فرانسه مذاکرات در پاره از سر گرفته شدن کارهای ساختمانی این مجتمع عظیم که از چند ماه پیش آغاز شده، به بن بست رسیده است. ایران با ادامه طرح در چارچوب قرارداد اولیه موافق است، اما ژاپن که تا کنون بیش از یک میلیارد دلار برای این طرح خرج کرده اعلام داشته است که اگر ایران میزان سهم مالی خود را برای به پایان رساندن طرح افزایش ندهد، از شرکت در ساختمان این مجتمع خودداری خواهد کرد".

این بار نیز سران ج ۱۰ در مقابل فشار انحصارهای ژاپنی عقب نشینی کردند. گرچه ما "بارها به شریک خود گفته ایم که به عنوان یک شریک مسلمانی قصد نداریم ضرر و زیانی متوجه طرف مقابل خود کنیم" ژاپنی ها حاضر به اتعام پروژه نیستند (معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی، اطلاعات ۱۰/۲۸/۶۰).

با اینکه ما بارها سرمایه گذاری در این طرح به علت تغییرات در پروژه، تورم جهانی و غیره تغییر کرده است" و شرکای ژاپنی "برای ادامه و تکمیل پروژه گفته اند چون در اثر طولانی شدن و خسارات جنگی هزینه پروژه بالا رفته است، لذا سرمایه اضافی را ایران بدهد و دولت ایران هم در چارچوب قرارداد داخلی حاضر به مذاکره شده است" و غیره اینک، "بعد از جنگ سه مرتبه هیئت مذاکره رفت و آمد داشتند و مرتبه در تهران و یک مرتبه در تویکو، که هر دو مرتبه آن مذاکرات جهت اداره پروژه بود و حتی "نظرمان این بود که خسارات را خود مان بپردازیم" ۰۰۰ از آنها (انحصارها ژاپنی) خواهش کردیم بیایید و خسارات را بررسی کنید" (همانجا).

آیا بیش از این می شد تسلیم انحصارهای غارتگر شد؟ مسئولین امور، آنها یک شب و روز از استقلال در تصمیم گیری دم می زنند، بنام اسلام هرگونه تجاوز انحصارهای ژاپنی به مصالح کشور را تیرمه می کنند و سپس می گویند: "از بس به آنها احترام گذاشتیم، خسته شدیم"، اما هنوز هم "گروه میتسویی هر روز بهانه جدیدی می آورد ۰۰۰ و می خواهد برای اتعام پروژه قرارداد جدیدی با ما منع سنگینی به ما تحمیل کند" (همانجا).
 انحصارهای ژاپنی با استفاده از ضعف هیئت حاکمه ایران چه قبیل و

چند بعد از انقلاب، توانسته اند خواسته های خود را در هر مرحله ای به آنها دیکته کنند. قرارداد مجتمع پتروشیمی مشترک ایران و ژاپن امضا شده از طرف رژیم شاه و مورد قبول جمهوری اسلامی دارای مواد است که تضاد آشکارا با مصالح ملی ما دارد و ما این مواد را به تفصیل بررسی خواهیم کرد. آنچه باید خاطر نشان کرد، افزایش سرسام آور هزینه طرح در فاصله زمانی کوتاهی است. طبق اعتراف معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی، هزینه پروژه از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ به ۴/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۰ رسید (همانجا). با وجود این سران جمهوری اسلامی هنوز هم به "مذاکرات" ادامه می دهند و انحصارهای ژاپنی نیز هر روز شرایط جدیدی را مطرح می سازند. ۲۹ تیرماه ۶۲ مطبوعات ایران از قول خبرگزاری ژاپنی "کیودو" نوشتند که هزینه اتعام پروژه پتروشیمی ۵۴۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار تخمین زده شده است.

۳ بهمن ۱۳۶۱، روزنامه اطلاعات از قول احمد احمدی مدیرکل طرح پتروشیمی ایران و ژاپن نوشت، که در پی مذاکرات هیئت ایرانی با پیمانکار ژاپنی بر سر پرداخت بدهی های ایران، که بمشابه یکی از موارد اختلاف طرفین توافق شده و حدود ۵ میلیارد "ین" ژاپنی، یعنی ۵۲۷ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار، در چارچوب قسط به طرفهای ژاپنی پرداخت میشود، ضمن آنکه به بقیه ادعاهای آنها در این مدت رسیدگی خواهد شد.

یادآوری می شود، که نخست وزیر ج ۱۰ چند ماه پیش به انحصارهای ژاپنی التیما توتم داده بود، که اگر تا ۲۳ دیماه ۶۱ موافقت خود را بپذیرد، تکمیل طرح پتروشیمی اعلام نکنند، ایران از طریق دیگری اقدام خواهد کرد. طرف ژاپنی به این "تهدید" ج ۱۰، که شباهت زیادی به تهدیدهای رژیم گذشته داشت ترتیب اثر نداد و بلاخره چنانکه گفتیم، سران ج ۱۰ را مجبور به تسلیم در برابر اراده خود کرد.

کازم پور اردبیلی نیز در سفر خود به تویکو نتوانست موفقیتی کسب کند. خبرگزاریهای خارجی در تفسیر سفر هیئت ایرانی به ژاپن اطلاع دادند، که انحصارهای ژاپنی شرط جدیدی به شروط گذشته افزودند و خواهشهای پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدند.

کازم پور اردبیلی در مصاحبه مطبوعاتی گفت، که تا کنون مذاکرات مختلفی بیش از ۶ دوره در رابطه با پروژه مشترک پتروشیمی انجام شده و گویا به "توافق های کلی" نیز رسیده اند. (اطلاعات، ۶۲/۳/۲۴). ایسن توافق ها کدامند؟ علاوه بر آنچه گفته شد، انحصارهای ژاپنی به سرکردگی "میتسویی" خواهان پرداخت بدهی های عقب افتاده ایران و نیز تأمین کلیه خسارات وارده به مجتمع پتروشیمی در نتیجه بمباران، از جانب دولت ایران و افزایش مجدد هزینه طرح در ارتباط با بالا رفتن قیمت ماشین آلات در بازار جهانی هستند.

۸ خرداد ماه ۶۳ معاون وزارت نفت در مصاحبه با "کیهان" اظهار داشت: "برای ادامه کار مجتمع پتروشیمی بند را ما خمینی ما تاکنون طی مذاکرات طولانی با شریک ژاپنی خود حد اکثر تلاش را در جهت از سرگیری کارها نموده ایم و آنچه امضا کرده ایم و قول داده ایم به آن عمل کرده ایم. منتها شریک ژاپنی در هر مقطعی بدلیل مختلف از انجام تعهدات خود سر باز زده است. ما پتروشیمی مملکت را منتظر این پروژه نگه نخواهیم داشت و مشغول جلو انداختن پروژه های جدید هستیم. امید است شریک ژاپنی هم با توجه به منافع متقابل در این پروژه و پروژه های آتی نسبت به رفتن خود تجدید نظر بعمل آورد" (کیهان، ۶۲/۳/۸۰).

بدینسان مقامات ج ۱۰ با وجود تجربه تلخ مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن، به معامله نابرابر با انحصارهای ژاپنی ادامه می دهند و طرحهای جدید پتروشیمی را نیز در اختیار آنها قرار می دهند. مردم ایران حقی دارند بپرسند: آیا کاسه ای زیر نیم کاسه نیست؟ در دوران شاه مخلصوع در اینگونه معاملات حق دلالی به خاندان پهلوی تعلق میگرفت. چسبه کسانی در ج ۱۰ از این نوع معاملات بهره می گیرند؟
 ادامه دارد

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

چرا موضع امپریالیسم...

توصیح بلند این تغییر است. احکام ج ۱۰۰
 سوپس می دهند که چرا چرا ریک دوره پسند
 ساله که امپریالیسم حیرتی واقعیت های استمرار را
 وازگوه خلوه می داد، اکنون بدور عرس وری و
 طلب حقائق، "بخشی از حقایق مانده" و "بند
 مدار نمی ار واقعیتها" را بازگو می کند. اما
 اصولاً بی عرس بودن و ریان همه بود، پس
 ماهیت و رسالت امپریالیسم حیرتی سازگار است
 اهداف و سیاستهای رسانه های گروهی
 هر کشور، نبود ناشی با ماهیت نظام
 اقتصادی - اجتماعی آن کشور دارد و در حد
 آن است. رسانه های گروهی جهان سرمایه -
 داری سز به تبعیت از همین اصل، آنها معش
 کنده مافع و سیاستهای انحصارات امپریالیستی
 هستند و بوسیله همانها هم اداره می شوند.
 سیاست امپریالیسم حیرتی سیاسی است نباید
 و لایعیر و فانویند که ار ماهیت و سرشت
 استثماری سرمایه داری انحصاری نشأت میگرد
 امپریالیسم حیرتی هرگز بخودی خود نمی تواند
 تغییر موضع اساسی بدهد و واقعیتها را بدون
 عری وری "بازگو کند". لذا باید علت تعمیر
 مویخ رسانه های گروهی عرب نسبت به حال
 ج ۱۰ را در جای دیگر و در واقعیت دیری
 جستجو کنیم.

واقعیت این است که در سیاست سران ج ۱
 تغییرات اساسی روی داده است. رخنه
 روزافزون سرمایه های امپریالیستی به بازار داخلی
 و اقتصاد کشور، توسعه روزافزون روابط اقتصادی
 تجاری با انحصارهای چندملیتی، ادامه و تشدید
 وابستگی صنایع و تولید داخلی به مواد اولیه
 تکنولوژی و کارشناسان خارجی در عرصه اقتصاد،
 هیبتی افسارگسیخته و دیوانه وار ضد کمونیسم
 ضد شوروی و گسترش روابط همه جانبه با کشورهای
 امپریالیستی و کشورهای وابسته سرمایه داری در
 عرصه سیاست خارجی، سرکوب بربرمنشانه دگر-
 اندیشان، مین دستان و مبارزین واقعی،
 سیاست ضد کارگری و ضد دهقانی و به موازات آن
 سیاست آشکار دفاع از بزرگ مالکان و کلان سرمایه
 داران، بشباه پایگاههای مطبوعه داخلی
 امپریالیسم در عرصه داخلی، از جامعه ایران
 سیمائی بدست می دهد که باب طبع امپریالیسم
 جهانی است. آن واقعیت و عنصر جدید که
 موجد مواضع جدید در سیاست رسانه های
 گروهی امپریالیستی نسبت به ایران شده، در
 همین نکته نهفته است.

روابط اقتصادی نابرابر ایران با کشورهای
 امپریالیستی از آنچنان دامنه وسیعی برخوردار
 است که حتی دست اندرکاران رژیم، علیرتم کوشش
 فراوان برای کتمان آن به منظور جلوگیری از طغیان
 حشم انقلابی توده ها هر از گاهی به آن اشاره
 می کنند. آقای نبوی وزیر صنایع سنگین می گوید:
 "در حال حاضر کشور ما محاصره اقتصادی
 ندارد بلکه دنیا و بطور کلی شرکتهای بزرگ

پیرومون سفر...

بقیه از صفحه ۱
 هسلری به دستگاه دولتی دوران فرمانروایی رضا
 خان، ساری نسبت. همه می دانند که در نتیجه
 حسانه رضاحان، کشور ما عملاً به رانده اقتصادی
 آلمان فاشیستی تبدیل شده بود.
 بعد از جنگ جهانی دوم انحصارهای آلمان
 غربی سوانسد از ظروف زد و بند های هشت پرده با
 ساه و دیگر اعضا خانواده پهلوی دوباره مواسم
 اردست رفته خود را در ایران احیا کنند.
 انحصارهای آلمان فدرال موفق شدند در رشته های
 کواکوب صنعتی سود آور سرمایه گذاری کرده و
 احزای فزحیحهای برهترین را در ایران بدست
 آوردند.

اعلام بهمن ۵۷ بار دیگر مواضع انحصارهای
 آلمان فدرال را در کشور ما متزلزل کرد. ولی این
 بار غیب آنها زیاد بطول نینجاید. سران ج ۱
 ۰۱ با حیانت به آماجهای انقلاب و در پیشش
 گرفت سیاست نزدیکی با انحصارهای امپریالیستی،
 امتیازات نواستعماری انحصارهای آلمان فدرال را
 به آنها باز گرداندند.

مناسبات ج ۱۰ با آلمان فدرال، نمونه
 برجسته تدوم سیاست ایران برپاد ده رژیم شاه
 مخلوع از جانب سران ج ۱۰ است. برای درک
 ماهیت این سیاست، کافی است مقام آلمان فدرال
 را در اقتصاد ایران قبل و پس از انقلاب مقایسه
 کنیم.

قبل از انقلاب انحصارهای آلمان غربی بسا
 بهره گیری از "سیاست درهای باز"، بسرعت در
 بازار داخلی کشور ما جای خود را مستحکم کردند.
 در سال ۱۹۷۸، که به نوشته "دی ولست"
 (فوریه ۱۹۸۳) بهترین سالها برای انحصارگرا
 آلمان غربی بود، این کشور توانست انواع کالا های
 ساخته شده و مواد اولیه و نیم ساخته به ارزش
 ۶/۸ میلیارد مارک به ایران صادر کند.

بعد از انقلاب نیز، که این بار سران ج ۱۰
 "سیاست درهای باز" را پیش گرفتند، کنسرنهای
 آلمان فدرال به تدریج صدور کالا به ایران را
 افزایش داده و بالاخره در سال ۱۹۸۳ با شکستن
 رکورد قبل از انقلاب ارزش صادرات خود به ایران
 را به مبلغ ۷/۷ میلیارد مارک رساندند (دی ولت،
 ۸۴/۹/۵). و این در حالیست که عدم تعادل
 شدید بین صادرات و واردات به ضرر ایران
 حکمفرما است. مثلاً، در سال ۱۹۸۳، آلمان
 فدرال فقط ۱/۷ میلیارد مارک کالا، آنهاهم بطور
 عمدت نفت خام از ایران خریداری کرد. به بیان
 دیگر کسری بازرگانی دو کشور ۶ میلیارد مارک به
 ضرر ایران است.

اینکه کنسرنهای آلمان غربی و دولت آن کشور
 بموقع خود شرکت فعال در محاصره اقتصادی ایران
 داشتند و در مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم
 جهانخوار آمریکا دشادوش آن حرکت می کردند،
 به هیچ وجه مورد نظر حکام ارتجاعی ج ۱۰ که
 اینهمه از سیاست مستقل دم می زنند، قرار نگرفت.
 بقیه در صفحه ۸

صدمتی در دنیا به سوی ما روی آورد هاست و
 انعاماً غلامندند که بتوانند با کشور ما هماری
 نشد. (شهبان، ۲۳ خرداد ۱۳۶۲). منظور آقای
 سوپس از دنیا، جهان سرمایه داری است. کشور -
 های سوسیالیستی به محاصره اقتصادی علیه
 ایران دست زده بودند که اکنون آنها بندشد و
 حالا "به سوی ما روی بیاورند". تغییر موضع
 امپریالیسم حیرتی در حقیقت از همین تعمیر
 شرایط اقتصادی بنفع انحصارات جیپالگر امپریا -
 لیستی ناشی می شود.

دست اندرکاران رژیم از طرح تغییر سیاست
 رسانه های گروهی امپریالیستی نسبت به ایران
 هدف خاصی را تعقیب می کند. از یک طرف
 نسبت به امپریالیسم حیرتی ایران حق شناسی
 نرند و آرا به ادامه و تشدید سیاست جدید
 در مقابل ایران ترعیب و تشویق می کنند و از طرف
 دیگر افکار عمومی جامعه را برای پذیرش و تأیید
 ساخت و پاخت آشکار رژیم با امپریالیسم آماده
 می سازند. سازش سردمداران ج ۱۰ بسا
 امپریالیسم جهانی با مقاومت جدی توده های
 ملتوی ستکن جامعه ما مواجه است. از اینرو
 آنها به شیوه همیشگی خود یعنی سیاست افعال
 و فریب مردم روی می آورند و اینطور وانمود می سا -
 رند که گویا این ایران نیست که تسلیم امپریالیسم
 شده، بلکه امپریالیسم است که به خواسته های
 حاکمیت ج ۱۰ گردن نهاده است.

خبرنگار ج ۱۰ درین در انجام این
 وظیفه اشگرد مخصوصی در نحوه ارئه و تنظیم
 شکل خبر مربوط به گزارش تلویزیون آلمان در باره
 ایران به کار بسته است. وی با تاکید بر نکاتی
 چون "گزارش مصور (تلویزیون آلمان) در سباره
 نفس مساجد در بسیج مردم" و یا "پخش مصاحبه -
 ای با امام جماعت یکی از مساجد اصفهان که بر
 تقویت ایمان مذهبی مردم حکایت می کرد" تلاش
 می کند این تصور را در مردم ایران دامن زند که
 رسانه های گروهی امپریالیستی پس از مدت ها،
 عقاید مذهبی جامعه ما را تأیید و حتی تبلیغ
 می کنند. لذا رژیم ج ۱۰ می تواند با حکومتی
 که عقاید مذهبی ما را محترم می شمارد و از مسجد
 و امام جماعت گزارش مصور تهیه و پخش می کند و به
 بیان دقیقتر در صدور انقلاب اسلامی به ج ۱۰
 یاری می رساند، سازش کند. به زعم آنها غرب هر
 چه باشد به ادیان الهی اعتقاد دارد و حالا
 هم که "دست از شیطن برداشته" و "سر عقل"
 آمده و رسانه های گروهی آن "واقع بین" شده اند
 ساخت و پاخت با آنها "خصوصاً" در جنگ صلیبی
 علیه کمونیسم "شرعاً" لازم است.

اما مردم مین ما نیک می دانند که بسیاری
 امپریالیسم و رسانه های گروهی آن شکل عقیده
 و نوع مذهب هرگز مطرح نبوده و نیست. آنها
 از هر نظر و عقیده و مرام که به نحوی از انحصا،
 موجب تأمین منافع انحصارات امپریالیستی شود
 حمایت می کنند. تغییر موضع امپریالیسم حیرتی را
 نیز باید در این محدوده ارزیابی کرد.



درباره موسیقی سنتیزی حاکمیت

هیچ چیز حاکمیت ج ۱۰ شبیه همتاهاش در دیگر کشورهای اسلامی و غیراسلامی نیست. موسیقی سنتیزی روحانیون حاکم هم از این قاعده پیروی می‌کند.

معلومات این آقایان در مورد موسیقی از این حد و کم می‌گویند حنجره داود پیغمبر قوم یهود تا بحال نظیر نداشته، تجاوز نمی‌کند و گرنه هم با موسیقی ملی ایران از زمان قدیم تاکنون بیگانه اند و هم با گنجینه موسیقی بشری که بسیار هم غنی است.

اینکه موسیقی در ایران دوران ساسانیان تا به حدی از رشد و تکامل رسیده بود که پایه و اساس موسیقی شرقی و از جمله موسیقی عربی شده است برای آقایان اهمیتی ندارد. آنان نه بارید را می‌شناسند و نه باغ و بتهویون را.

رادیوی تهران و یا "صدای جمهوری اسلامی ایران" برنامه هایش بیست و چهار ساعت است، ولی موسیقی بعنوان یک مقوله مستقل در این برنامه ها جایی ندارد. برنامه رادیوی تهران تنها گپ زدنیهای بی پایان و دل آزار و نفرت انگیز است. چند ترانه در زمینه پرستش کیش شخصیت و تشویق جوانان به کشتن و کشته شدن و حمله بردن بیدلیل بر "صف مشرکان" و غیره دارند که فقط برای پرکردن فواصل میان سخنرانیها و شروع اختیار از آنها استفاده می‌کنند. از ترانه های

صلی ایرانی، از ماهور و هالیون و چهارگانه و موسیقی ملی دیگر ملتها و همچنین موسیقی کلاسیک و مدرن جهان هیچ خبری نیست، چرا که موسیقی دلخواه مردم را "حرام" می‌دانند البته منع موسیقی تنها به "صد او سیما" جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود. اصولاً در سراسر کشور شنیدن موسیقی به بهانه "نبی از منکر" ممنوع شده است. فقط کسانی که هنوز خانه ها

هایشان مورد هجوم گشتهای گوناگون پاسداران جهل و نابخردی قرار نگرفته و کاستها و نوار و صفحه هایشان ضبط نشده، می‌توانند گاه گاه در پستوی خانه، مرهمی بر زخمهای روحی ناشی از جنایات حکام مرتجع بگذارند و یا در آرزوی شنیدن دست کم یک ترانه ایرانی به اراجیف رادیوهای اسرائیل و لندن گوش فراد دهند.

سران جمهوری اسلامی که البته در هر زمینه‌ای صاحب نظر هستند، در فرصتهای مختلف پیرامون موسیقی اظهار نظر کرده و از جمله فتوی داد مانند که "موسیقی مطرب حرام و موسیقی مشکوک مجاز است". مطرب به معنی شادی آور است. البته در جمهوری اصالت مرگ و گسریه و زاری، شاد بودن و خندیدن می‌تواند گناهی

نابخشودنی باشد. ولی در گنجینه موسیقی ایرانی بیش از ده درصد موسیقی طرب انگیز یافت نمی‌شود. نود درصد بقیه چه بساغم انگیز و تراژیک می‌باشد. در موسیقی دیگر خلقها این نسبت فرق می‌کند ولی موسیقی جدی به هر حال سهم بزرگتری را دارد. پس اینها قاعده تا باید در خارج "موسیقی مشکوک" بگنجد و پخش آنها

و شنید نشان "حرام" نباشد. ولی بی شک اگر کسی چنین تذکری را بدهد، خودش را بعنوان عنصر "مشکوک" روانه شکنجه گاه اوین خواهد کرد. یکی دیگر از ابداعات این آقایان ممنوع

کردن پخش صدای زنان خواننده است. اگر در دیگر کشورها صداهای تعلیم دیده را در مجموع به شش کاتگوری تقسیم می‌کنند که سه کاتگوری آن متعلق به زنان است، در مبین ما فقط مردانی

که "دوانگ" صدا داشته باشند، حق اذان گفتن، توحه و مرثیه خواندن و مناجات کردن دارند. بقیه نباید لب از لب بکشایند تا میلاد

صدایشان "مطرب" باشد. در کدام جنگلی فقط گنجشکهای نر حق جیک جیک کردن و بلبل های نر حق چه چه زدن دارند؟

شیخ صلح الدین سعدی شاعر و سخن پرداز بزرگ ایرانی را همه ما می‌شناسیم و به او افتخار می‌کنیم. او بیش از هفتصد سال پیش می‌زیسته و آنطور که از آثارش پیداست یکی از اسلام شناسان دوران خود و یکی از معتقدان سرسخت تعالیم اسلامی بوده است. ولی او در آثار خود برخورد بکلی دیگری با موسیقی صدای

"مطرب" دارد. ببینید خود او در بوستان در مورد کسانی که از موسیقی چیزی نمی‌فهمند چه می‌گوید:

پیرشان شود گل بیاد سحر
نه هینم، که نشکندش جز پیر
جهان بر سماع است و مستی و شور
ولیکن چه بیند در آئینه کوز
نبینی شتر بر نسوای عزیز

که چونش برهن اند آرز طرب
شتر را چو شور و طرب در سر است
اگر آدمی را نباشد خراست

شیخ صلح الدین سعدی برخلاف گردانندگان جمهوری اسلامی طرب و ره را مغایر با تعالیم اسلامی نمی‌دانسته و صدا و نوای شادی آور و شور و طرب را خوش می‌داشته است. مگر هم او در مورد کسی که با صدای دلخراش آواز می‌خوانده نگفته است:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی
ببری رونق صلفانی
اما رهبران حاکمیت تبلیغ می‌کنند که موسیقی "مطرب" حرام است و حتی آقای رفسنجانسی کشف کرده که بلال حبشی مؤذن، مانند لویس آریستراک خواننده سیاه پوست آمریکایی صدای نتراشیده و نخراشیده داشته و بدین جهت مورد علاقه بوده است.

یا شیخ صلح الدین سعدی که هفتصد سال از ما به زمان زندگی پیامبر نزدیکتر می‌زیسته اسلام شناس نبوده و یا اینکه سران جمهوری اسلامی کج اندیشی های خود را به اسلام نسبت می‌دهند.

البته تراژدی موسیقی در جمهوری اسلامی بسیار زرفتر و گسترده تر از آنست، که در این نوشته کوتاه بگنجد.

جلوگیری از افزایش...

بقیه از صفحه ۳
یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که مثلاً این معجزه چیست. مسلمانان نه در آسمان، بلکه در روی زمین باید جست. در خانه محقر کارگران و زحمتکشان. آنرا باید در صورت چروکیده و رنگ پریده کود کانی جست که باید شبها با شکم گرسنه سر بر بالین گذارند. علت این معجزه بسرا ی سرمایه داران، مرگ بسیاری از اعضا خانواد

کارگران به علت نداشتن پول دارو و دکتر است. و یا اندام مریض زحمتکشی که ساعات معدود خواب را باید بر زمین مرطوب و سرد بگذرانند.

یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که در صورت افزایش دستمزدها و حقوق کارگران و زحمتکشان به حساب سود کلان سرمایه داران محتمل تناسب با نرخ رسمی و اعلام شده تورم در چهار ساله اخیر

بخشی از این سودها ناپدید می‌شود. آری معجزه اقتصادی "جمهوری اسلامی از فقر کارگران و زحمت کشان ارتزاق می‌کند."

آنچه را که کارگران با شمع قوی طبقاتی خود خیلی زود درک کرده اند، از طریق این آمار و ارقام و اعترافات روشن می‌شود. دلیل اصلی برای جلوگیری از افزایش دستمزدها، نه نگرانی حکومت از گرانی اجناس، بلکه نگرانی از کاهش سود سرمایه داران بوده است. این سرمایه داران اند

که از عدم افزایش دستمزدها بیشترین سود را بردند.

دروود به توده های...

بقیه از صفحه ۱
خوشتر در این زمینه آگاه سازیم
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

آلن میلر
دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا
کارتی، که در نامه کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا از آن نام برده شده است، دارای متن زیر است:

به سفیر جمهوری اسلامی ایران در استرالیا، عالیجناب،
اکنون هزاران تن از اعضای حزب توده ایران و دیگر سازمانهای دمکراتیک و مترقی بیش از یکسال است، که در زندان بسر می‌برند، از هرگونه ارتباطی با جهان خارج بی بهره اند و در مشاهده شکنجه می‌شوند.

کشتار و اعدام پنهانی زندانیان توده های و محروم داشتن آنها از وکیل مدافع، دفاع از خود و حقوق استیناف نقش وند و وعیدهای رهبران جمهوری اسلامی است و با قانون اساسی مغایرت دارد.

بنام عدالت و انسانیت از دولت شما خواستارم که این مبین پرستان، که همراه با میلیونها ایرانی در سرنگونی رژیم پرفتنش و ظالم شاه نقشی دلاورانه بازی کردند، بید رنگ آزاد شوند. جان این مبین پرستان تنها به این خاطر در خطر است، که به زحمتکشان ایران و استقلال ملی کشور خویش وفادار ماندند.

با احترامات فائقه

رویدادهای جهان

تزکیه زیر بار قرض

طبق آمار منتشره از طرف بانک مرکزی ترکیه وام خارجی این کشور تا آخر ماه مه ۱۹۸۴ به ۲۵ میلیارد دلار رسیده است. روزنامه "گون آیدین" می نویسد: برای پرداخت این وام، به شرطی که وام دیگری دریافت نکنیم، بیش از ۳۰ تا ۴۰ سال وقت لازم است، ولی متأسفانه بدون انزکسیون خارجی اقتصاد ترکیه که وابستگی شدیدی به اقتصاد غرب دارد قادر به ادامه حیات نیست. این روزنامه نتیجه می گیرد که بدینسان هر کودک نوزادی در ترکیه، از بد و تولد زیر بار قرض غمگین است.

بیکاری روز افزون در انگلستان

بر اساس آمار منتشره رسمی در انگلستان، تعداد کارگران بیکار این کشور در نیمه اول سال میلادی جاری ۳۰۳۶۲۰۰ نفر اعلام شد. این تعداد برابر با ۱۲/۶ درصد کل شاغلین بریتانیای کبیر است. جالب توجه است که در طی ۶ ماهه اول سال ۸۴ به تعداد بیکاران در این کشور ماهانه ۱۵ هزار نفر افزوده شده است. باید گفت که مسئله به اصطلاح "سلامت اقتصادی" که مقامات رسمی انگلستان روی آن تکیه می کنند، تأثیری در وضع اشتغال زحمتکشان نداشته است.

پنتاگون قهرمان المپیک ۸۴!

زیر پوشش "تأمین امنیت" بازبهای المپیک در لوس آنجلس، پنتاگون ۵۰ میلیون دلار دیگر برای هزینه های نظامی از کنگره آمریکا دریافت داشت. روزنامه واشنگتن پست به گونه طنزآمیزی می نویسد: این امکانات و "آمادگی" به وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا اجازه می دهد که متهورانه خسود را بازگیر اصلی المپیا ۸۴ معرفی کند.

به نوشته این روزنامه پنتاگون در نظر دارد که ۷۷ هلیکوپتر، ۴ هواپیما، ۱۶ اتوبوس، ۳۳۰ تفنگ خودکار، ۴۰۰ هزار فشنگ، دستگا ههای شب بین و دهها تن تجهیزات دیگر به لوس آنجلس بفرستد. طبق این گزارش پنتاگون ۱۰ میلیون دلار صرف ساختن مدرنترین سیستم حفاظت محوطه ها از "تروریست" ها خواهد کرد. همه این تجهیزات و دستگا هها پس از پایان بازیهای المپیک در اختیار پنتاگون قرار خواهد گرفت.

زحمتکشان افغان در دفاع از خود

از مدتها پیش گروههای مسلح "دفاع از خود" در نواحی مختلف افغانستان، از جمله اخیراً در ننگرهار و پختیان برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ملی و دمکراتیک شور تشکیل شده است و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود. تاکنون

صدها دهقان و پیشه ور داوطلبانه به این گروهها پیوسته اند و مسلحانه با باند های ضد انقلابیون که از حمایت آمریکا و پاکستان و دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه برخوردارند، مبارزه می کنند و آنها را در بسیاری از مناطق وادار به عقب نشینی کرده اند.

در جلسه احزاب کمونیست آمریکای جنوبی

جلسه مشورتی احزاب کمونیست آمریکای جنوبی از جمله با شرکت نمایندگان حزب کمونیست کوبا و جبهه ملی آزاد بیخس ساند نیستی نیکاراگوئه تشکیل شد. در بیانیه این احزاب از جمله به نکات زیر اشاره شده است:

هدف دولت ریگان از سیاست نظامیگری، کشاندن جهان بسوی فاجعه هسته ای است. این سیاست نقطه مقابل سیاست صلح اتحاد شوروی و مغایر با خواسته های نهضت طرفداران صلح است. تجاوزات امپریالیسم آمریکا در عرصه جهانی از جمله در آمریکای لاتین گسترش یافته و بخصوص در ارتباط با کوبا سوسیالیستی و نیکاراگوئه انقلابی شکل خشونت آمیز گرفته است.

مناسبات بازرگانی- اقتصادی ایالات متحده آمریکا با کشورهای رشد یابنده هرچه بیشتر خصلت نابرابر به خود می گیرد. افزایش بهره بانکی بوسیله واشنگتن موجب می شود که وضع اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین وخیم تر شود. از این حربه برای تحمیل شرایط اسارت آور به این کشورها استفاده می شود. کلاه سفید می کشد که خلقهای قاره را مجبور به پرداخت هزینه های سنگین تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا کند.

در جلسه مشورتی بر نقش طبقه کارگر آمریکای لاتین و احزاب کمونیست و کارگری به مثابه پیشروان رزمنده و پیکارجو در امر تحکیم استقلال و نیسز مبارزه در راه تحولات انقلابی و علیه به هم زدن ثبات روند دمکراتیک در پاره ای از کشورهای قاره تأکید گردید.

شرکت کنندگان این جلسه مشورتی خواهان آزادی زندانیان سیاسی در شیلی، پاراگوئه و اروگوئه شدند و با مبارزه خلقهای قاره علیه رژیمهای استبدادی در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، همبستگی خود را اعلام کردند.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما: Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 040012650 Dr. John Takman

پیرامون سفر...

بقیه از صفحه ۶

قبل از انقلاب، آلمان فدرال طرحهای گران قیمت ساختمان د و نیروگاه هسته ای، نیروگاههای حرارتی و غیره را بخود اختصاص داده بود. گرچه پس از انقلاب سران ج ۱۰ اعلام کردند، که اکثر این طرحها و از جمله ساختمان نیروگاههای حرارتی تجملی بودند، ولی هنوز چند صباحی نگذشته با کنسرنهای آلمان فدرال و بویژه "کرافت ورك اونیون" زبان مشترک پیدا کردند و کارشناسان این کنسرن روانه ایران شدند.

قبل از انقلاب، رژیم شاه که علاقه زیادی به تحکیم همپیوندی با امپریالیسم از خود نشان می داد، نخست ۲۵ درصد از سهام کارخانجات فولاد سازی کروپ در برزیل و سپس ۲۵/۰۱ درصد سهام گروه "د ماگ کروپ" را خریداری کرد. ما در همان ایام نوشتیم، که جلب سرمایه دولتی ایران به سهم شدن در انحصارهای خارجی هد فهای مغرضانه ای را دنبال می کند. اولاً تلاش می شود که ایران به روند ایجاد سرمایه در جهان سرمایه داری کشانده شود. ثانياً، از پیشرفت کشور در راه تحولات اجتماعی ممانعت بعمل می آید و بالاخره شرایط مطلوب و مساعد برای سرمایه گذاری و بهره کنی از منابع طبیعی و انسانی کشور از جانب کنسرنهای خارجی فراهم می گردد.

بعد از انقلاب سردمداران رژیم به تبعیت از این سیاست نواستعماری به همپیوندی با امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم آلمان فدرال ادامه دادند.

"دی ولت" بلندگوی انحصارهای آلمان فدرال در شماره ۵ مه ۱۹۸۴ نوشت، که هم اکنون ۱۵۰ تن از نمایندگان کنسرنهای آن کشور در تهران اقامت دارند و امید وارند با سفر گنشر وزیر امور خارجه آلمان غربی به ایران، نتایج مثبتی در عرصه روابط تجاری- اقتصادی بدست آورند.

در اینکه سران ج ۱۰ تسلیم امیال آزمندان کنسرنهای آلمان فدرال خواهند شد، جای تردید نیست. نباید از نظر دور داشت، که انحصارهای غرب با استفاده از تجربه های گذشته، حق دلالی معاملات بازرگانی را به ۱۰ تا ۷۰ درصد کل مبلغ هر قراردادی افزایش داده اند. حکام ج ۱۰ نمی توانند این "گذشت" انحصارهای امپریالیستی را نادیده بگیرند.

NAMEH MARDOM No. 7

JULY 19, 1984

P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden